

در سایه مانده است.

**آیا حمایت مسئولان از نمایش هادر این روزهای تئاتر راضی کننده هست؟**

حقیقت این است که بیاییم در حال ساخت تئاتر هستیم و واقعا نمی دانیم هدف وزارتخانه چیست، دیگر چگونه باید کار کنیم که مورد پسند آقایان باشد تا این حجم از فشاری که روی تئاتری ها وجود دارد برداشته شود. مدیریت تئاتر شهر گویی فقط دوست دارند که صف ایجاد کنند و همه فعالان تئاتر از این موضوع ناراحتند. در طول ساخت اثر متاسفانه هیچگونه حمایتی نداشتیم با بودجه بسیار کم و بیشتر با کمک همکارانمان که رفاقتی همکاری کردند کار بسته شد. از طرفی رفتار با هنرمندان تاسف برانگیز است من در مورد همین نمایش به دفتر معاونت هنری آقای سالاری رفته بودم که متاسفانه گویی که با یک داعشی روبرو هستند با من برخورد کردند، وقتی در اتاق معاونت هنری به روی هنرمند باز نیست دیگر چه توقعی از باقی مدیران هنری داشته باشیم.

**مجید رحمتی:**

**برایمان بگویند که خانه تئاتر متولی چیست؟**

**از دلایل انتخاب این موضوع برای نمایش تان بگویند؟**

قطعا هر متنی که کارگردانی برای اجرا انتخاب می کند باید ما به ازای جامعه شناسی داشته باشد. همانطور که در آثار قبلی مان به موضوعات روز مثلا به قاتل زنجیره ای معروف تهران پرداختیم فکر می کنیم که گاهی هم باید از دل تاریخ استفاده کنیم و در مورد اسطوره های تاریخی که وجود داشته اند بگوئیم که گاهی مورد حمایت مردم بوده اند و گاهی نه و این هشدار خوبیست که از دل تاریخ بر می آید و با توجه به جامعه شناسی روز برای آینده تماشاگر آن نمایش راهگشا خواهد بود.

**در مورد سبک اجرایی نمایش برای مخاطبان بگویند.**

عباس جوانمرد می گفت ما دو دسته تئاتر بیشتر نداریم، تئاتری که برداشتی واقعی از زندگی انسان هاست و دیگری تئاتری که این برداشت واقعی از زندگی انسان ها را به شکل تئاتر بکال در می آورد و در اینجا سبک و شیوه های اجرایی خود را نشان می دهند. اثر ما یک نمایش دراماتیک جذاب است که بیشتر به صورت روایی اجرا می شود و اگر دقت کنید بخش عمده ای از حرف های شخصیت ها به شکل گفتار است نه گفتگو، در همین راستا به سراغ نماد، نشانه و سمبل رفتیم و در جاهایی از قالب صور خیال برای ایجاد فضای مورد نظرمان استفاده کرده ایم. از آنجا که پرورش یافته مکتب نمایش ایرانی هستیم و سال هاست که به آن می پردازیم این سبک جذابیت فراوانی برای من دارد و در این نمایش از روایتگری و شبیه خوانی و چند آیین نمایشی خوب ایرانی دیگر هم کمک گرفتیم تا به نوعی یک شبیه خوانی مدرن را به صحنه بیاوریم.

**دکور نمایش بسیار موزن است و بیشتر از نور برای خلق فضا استفاده شده سالن های نمایش ایران در این راستا چقدر می توانند نیازهای گروه های نمایشی را تامین کنند؟**

در شیوه نمایش های ایرانی با موزن ترین طراحی و بیشتر با قرار دادهایی که بین گروه اجرایی و تماشاگر است دکور نمایش در ذهن مخاطب جان می گیرد. برای ما هم تخت ترنا بازی فرخورد موقعیت های مختلف نمایش کاربردهای متفاوتی دارد و باقی فضاهای نمایش هم توسط نور ایجاد می شوند، از آنجا که همزمان با ما یک گروه بسیار شریف دیگر در این سالن اجرا دارد پروژکتور ها بین دو نمایش تقسیم شده و طبیعتا دست ما در مسئله نورپردازی تا حدودی بسته بود ولی با تمام این محدودیت ها آقای خضراعی لطف کردند و فضاهای نوری خیلی خوبی را برای ما ایجاد کردند.

**با توجه به شرایط فعلی اقتصاد تئاتر در کشور ما برای تولید این اثر با چه چالش هایی روبرو بوده اید و آیا حمایتی از نمایش تان صورت گرفت؟**

تماثل به همکاری با تهیه کننده ای داشتیم که بخاطر مشکلات بین ایشان و سالن ایرانشهر این امکان از ما گرفته شد و متاسفانه تا این لحظه هیچ حمایتی از این نمایش نشده صرفا

قول هایی داده شده از طرف مرکز هنرهای نمایشی و سازمان فرهنگی هنری شهرداری که در حد نامه نگاری باقی مانده و حقیقتا گله مندیم در این مورد چرا که اساسا کار بنوعی سفارش خود شهرداری بود تا در مورد یکی از مشاهیر ایران و انقلاب اثری تولید شود اما در مرحله قرارداد و مسئولیت های مالی طرفین متاسفانه تنها تئاتر است که قربانی می شود. متاسفانه امروز اگر سالن دولتی نداشتیم شاید که حتی خود آنها هم از یک بودجه به شدت محدود برخوردارند، محدود به سالن های خصوصی خواهید بود که رقم های هنگفتی طلب می کنند و واقعا دغدغه داریم که چه کسی قرار است پاسخگوی این نسلی باشد که وارد تئاتر شده از طرفی تهیه کنندگان هم باید به بازگشت سرمایه خود فکر کنند و همین دلیلی است که از چنین آثاری سخت تر حمایت کنند و اگر قرار است تئاتر رسانه ای تاثیر گذار باشد قطعاً باید بسترهای مناسبی برایش فراهم شود. وضعی وجود دارد که حتی اگر یک نمایش در یک دور اجرا تمام جایگاه تماشاگرانش را هم پر کند باز نمی تواند پاسخگوی کرایه سالن، دستمزد نویسنده، بازیگر و باقی عوامل نمایشش باشد و متاسفانه نداشتن سند یکا و ناکارآمد بودن خانه تئاتر به این مشکلات اضافه می کند. خانه تئاتر جز یک عضویت تئاتری و اطلاع رسانی بابت پرداخت حق عضویت چه می کند؟ چرا به عنوان یک صنف بیانیه نمی دهد، چرا یک قانون درستی ندارد که مثلا یقه من مجید رحمتی را بگیرد که تو اصلا از کجا آمده ای که در سالن چهارسوی تئاتر شهر اجرا می روی، چرا در راستای نظارت بر اجرای نمایش ها تعاملی با مرکز هنرهای نمایشی ندارد تنها تلاشش در این سال ها بیمه هنرمندان با نرخ هجده درصد بوده که با این وضعیت اقتصادی کشور پس از سی سال تلاش و بازنشستگی نمی تواند پاسخگوی حتی گوشه ای از هزینه های زندگی هنرمندان باشد، کارهایی مثل جمع کردن دستفروشان اطراف تئاتر شهر که باید مدت ها پیش انجام می شد برای تکمیل رزومه مدیران تئاتری کافی نیست و باید قدم های بزرگ، واقعی و موثرتری برداشته شود.

**امیر عدل پرور:**

**به عنوان بازیگر هیچگاه از خودم راضی نیستم**

**در مورد چگونگی انتخاب تان برای این نقش و اینکه جذابیت این نقش برایتان چه بود بگویند؟**

از آنجایی که با آقای تاراج و آقای رحمتی یک گروه هستیم و سال هاست که با یکدیگر همکاری داریم قبل از شروع هر کاری صحبت می کنیم که هر کسی کدام نقش را بر عهده بگیرد، در مورد این نمایش هم نزدیکی چهره من به طیب حاج رضایی مزید بر علت بود و قسمت شد تا این نقش مهم را بازی کنم. بازی در نقش طیب برای من افتخاری بود، بازی نقش شخصیتی که نامش در تاریخ ماندگار شده است.

**در کارنامه کاری شما نقش های بسیار متفاوتی دیده می شود هم در عرصه نمایش کمدی حتی در نمایش کودک، در کنار اینها نقش های مهم و دراماتیک می مانند طیب چه چالش هایی برای شما داشته؟**

اساسا من بازیگری را اینگونه آموزش دیدم که بازیگر باید بتواند نقش های مختلف متفاوت از هم را ایفا کند و ریزه کاری هایی برای هر نقش در نظر بگیرد که نقش را برای تماشاگر قابل لمس تر کند و این ارتباط بهتر شکل بگیرد. متاسفانه در عالم سینما و تئاتر ما جریانی وجود دارد که وقتی می بینند بازیگری در نقشی خوب است و پذیرفته شده، مدام همان نقش را در سناریوهای متفاوت برای او در نظر می گیرند خب من هرگز دوست نداشتم که چنین مسیری را طی کنم و مدام بدنال نقش های متفاوت بودم تا بتوانم بازی و خلاقیت خودم را نشان بدهم در واقع این فرصت هم برای بازیگر کم پیش می آید. خدا را شکر می کنم که گروهی داریم و تصمیم گیرنده آن خودمان هستیم و در این زمینه دستمان باز تر است. کارهای کودک و کمدی و آثار مختلف مدیوم خاص خودشان را دارند و من به این مسئله حساس هستم که حتما بتوانم تفاوت ها را در هر نقشی که به عهده گرفتم نشان بدهم و امیدوارم که موفق شده باشم هر چند که من جزو بازیگرانی هستم که هیچگاه از خودم راضی نیستم و در نهایت این تماشاگر است که با توجه به اثر پاسخ مرا در این زمینه می دهد.

**کدام بخش از زندگی طیب و کدام بخش از نمایش بیشتر روی خود شما تاثیر داشت؟**

طیب شخصی بوده که بسیاری داستان و روایتی از او شنیده اند و بیشتر در حد اینکه فرد گردن کلفت با فرد مهم و بزرگی بوده او را می شناسند و نه ابعاد واقعی از کاراکتر طیب. وقتی که به تاراج عزیز که من متن نمایش را بسیار دوست دارم این نمایشنامه را نوشت و قرار بر این شد که من نقش را بازی کنم در اولین قدم به صورت شخصی به تحقیق در مورد طیب پرداختم و در مسیر تحقیق ویژگی هایی از او را شناختم که در کمتر جایی ذکر شده و کسی می داند، ویژگی های فردی مانند مردانگی و رفاقت، ادب و کمک کردن به دیگران مثلا عروسی گرفتن برای زوج های کم توان مالی و کار پیدا کردن برای جوانان بیکار و ... خب ما در تاریخ کمتر کسی را با این ویژگی ها داشته ایم و من بیشتر تاکید داشتم تا این ویژگی های طیب در این نمایش ارائه شود چون به هر حال لات بودن را هر کسی می تواند بازی کند و نشان دهد و در دنیای امروز هم به سادگی دیده می شود اما ادب و مردانگی و زیر حرف زور گرفتن ویژگی های مهم تر و منحصر به فردی هستند که در کمتر کسی دیده می شود و من خیلی دوست داشتم که آنها را در بازی ام بیاورم. اما صحنه ای که بیش تر از همه مرا تحت تاثیر قرار داد صحنه آخر نمایش است، صحنه تیرباران طیب که من بارها عکسش را نگاه کرده ام و از خودم پرسیده ام که طیب در این لحظه به چه چیزی فکر می کند وقتی اینگونه دست ها و چشم هایش را بسته اند و می خواهند تیربارانش کنند. مشخصا لحظات بسیار سختی است. تمام این نمایش پر از لحظات عجیب و خاص برای من است. از روز اولی که درباره شخصیت با آقای رحمتی صحبت می کردیم اعتقاد داشتیم که این کاراکتر نباید به این شکل که در صحنه داد و فریاد کند نشان داده شود گاهی فقط با یک نگاه، با یک سکوت باید کاراکتر را ارائه کرد و تمام سعی من بر این بود که با استفاده از تمام ریزه کاری های ممکن بتوانم نقش طیب را درست ارائه کنم.

**در جایی اشاره کردید که مدام به بازیگران نقش های تکراری و مشابه پیشنهاد می شود دلیلش را بیشتر در اقتصاد هنر یا فرهنگ رایج بین هنرمندان تولید می دانید؟**

هر دو تاثیر گذار هستند ولی به نظر من باید بیشتر فرهنگ سازی شود، متاسفانه سینما و تئاتر ما دارد نفس های آخرش را می کشد که این بسیار دردناک است. من اساتید بسیار خوبی داشتم در سوره اساتیدی مانند ایرج افشاری اصل که هر چه یاد گرفتم در تئاتر از اوست و اساتید دیگری در موسسه کارنامه مانند آتیلا پسیانی، خانوم مهتاب نصیری و آقای پرستویی که به عنوان مدیر موسسه کارنامه حتی از صحبت هایی که گهگاه با ما داشت مطالب بسیاری آموختم. من فکر می کنم در زمینه آموزش و تدریس بازیگری اصلا مسیر درستی در حال حاضر طی نمی شود بسیاری از اساتید فعلی را حتی نمی توان استاد دانست چون هنوز خودشان تجربه کافی ندارند ولی شاگردانی تحت تعلیم آنها قرار می گیرند و همین ضعف آموزش درست باعث می شود بازیگری، کارگردانی و نویسندگی ما مدام افت کند. بسیاری از متن هایی که به من پیشنهاد می شود را باید رد کنم چرا که هیچ چیزی برای ارائه کردن ندارند و متاسفانه وقتی اصول پایه رعایت نمی شود در مورد مراحل بعدی حتی نمی توان صحبت کرد. با همه این مسائل این خود بازیگر است که در نبود یک سیستم درست باید در انتخاب های خودش دقت بیشتری داشته باشد تا به ورطه تکرار کشیده نشود البته که انتخاب های او محدود خواهد شد و سختی های زیادی در سر راهش است.

**در آخر امید و آرزوی شما برای تئاتر ایران چیست؟**

آرزو و امیدم اینست که تئاتر ایران دوباره شکوفا شود و دوباره اجازه بدهند تا افراد کار بلد به عرصه بازگردند، افرادی که صاحب فکر و اندیشه هستند و برای ساختن جامعه راهکار و اندیشه در آثارشان دیده می شود و اینکه برای همه آزادی فکر و اندیشه و قلم باشد چرا که همه این حق را دارند، من فکر می کنم ما برای آموختن و یاد دادن به این دنیا آمده ایم و وقتی جلو چیزی گرفته می شود بالاخره از جای دیگری سر بر می آورد بطوری که همگان می فهمند چه رخ داده است. آرزو دارم که فرهنگ سازی شود و مردم بیشتر به سمت خواندن کتاب و دیدن فیلم و تئاتر بروند و در کنار کارهای کمدی به آثاری که آنها را به اندیشیدن وامی دارد نیز بها بدهد.

